

زیر آسمان شهر

اندکی مهربان‌تر

سیدحسین مهرآوران

● از ظرفیت‌ها و امکانات، نیکی‌ها و کاستی‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بسیار شنیده‌ایم. شاید امروز کمتر تحصیل‌کرده‌ای را در ایران می‌توان یافت که از این امکان بی‌بهره باشد و هنوز به اجتماع بهره‌مندان از شبکه‌های اجتماعی مجازی نپیوسته باشد. نقش غیرقابل انکار شبکه‌های اجتماعی در جریان گسترده‌تر خبری، خروج از انحصار رسانه‌ای، امکان شکل‌گیری جریان‌های اجتماعی و بسیج عمومی در کنار ضربه‌های سختی که در ماه‌های اخیر به ابتکار برخی هم‌وطنان دور از میهن و بی‌تعلق‌خاطر به دردهای مردم این سرزمین، اعتماد و باور عمومی به آینده در میان هم‌میهنان را نشانه رفته است؛ مجموعه ناهمگن و ملموسی را در مقابل چشمانمان از این امکان تکنولوژیک به نمایش می‌گذارد. اینستاگرام با حدود یک میلیارد کاربر جهانی و بیش از ۲۰ میلیون کاربر که با فیلترهای متنوع، همه‌چیز را زیباتر نشان دهد که از نتایج آن صرف زمان و انرژی بسیار برای به‌اشتراک‌گذاری بهترین عکس‌هاست؛ فضایی که در یک روندی جهانی عمدتاً در تصرف زنان است. آری! این هویت مجازی امروز جلوه‌های درونی بسیاری از زندگی‌ها را پررنگ‌تر و پرشکوه‌تر پیش چشمان دیگران می‌گسترد. دغدغه مهم‌تری از نگارش این سطور دارم. تحریم‌های ناجوانمردانه، محدودیت منابع و امکانات و بحران اقتصادی کنونی که به ادعان شماری از کارشناسان اقتصادی کشور را تا آستانه رکود تورمی پیش برده، شرایط دشواری را متوجه طبقات فرودست کرده است. گذشته از وظایف دولت در حمایت بیشتر از اقشار آسیب‌پذیر، ما شهروندان ایران‌زمین در قبال هم‌میهنان محروم خوش مسئولیم؛ مسئولیم تا به‌قدر امکان باریک‌تر توان اندک آنها در تأمین معاش و همدل با محدودیت‌های اقتصادی‌ای باشیم که آنها را احاطه کرده است. در شرایط نابسمان اقتصادی کنونی، دور از انسانیت و اخلاق است که در به‌اشتراک‌گذاری پست‌ها و انعکاس برش‌هایی از زندگی و پیرامونمان در فضای مجازی و اینستاگرام، ندرهای کشورمان را فراموش کنیم و به تشدید غبطه‌ها در میان خانواده‌های کمتر برخوردار دامن بزنیم؛ پدر و مادری را در مقابل فرزندانشان شرمگین‌تر از آنچه هستند کنیم. بیایید از چشم‌هم‌چشمی‌ها دوری کنیم و با پاره‌های دیگر این پیکر (جامعه ایرانی)، اندکی مهربان‌تر باشیم.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۷ آذر ۱۳۹۷ • ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ • ۲۸ نوامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۰۲ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۲ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۲۵ • طلوع آفتاب ۶:۵۳

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

دا ریو کاستیلجوس

ترامپ، گزارش دولتش راجع به گرمایش کره زمین را قبول ندارد!



روز جهانی مقابله با خشونت علیه زنان مثل بقیه روزهایی که متداول و مرسوم شده است، به نظر من – و البته اگر تلقی بدی از آن نداشته باشیم – تا حدی جنبه مد دارد؛ مانند روز زن و روز مرد و روز فرزند و نظایر آنها. این مسئله باید نه‌آدینه شود و در تمام روزها چنین مسئله‌ای وجود داشته باشد. البته نباید به این روز محدود شود؛ این روز نمادی است و مظهری است از مقابله با خشونت و ارزش هم دارد؛ چون اصولاً جلب توجه عموم مردم به این مسئله حائز کمال اهمیت است؛ ولی امیدواریم که این تفکر و اندیشه در مردم ما جا باز کند تا ان‌شاءالله بتوانیم خشونت علیه زن را از صفحه زندگی محو کنیم.

همان‌طور که مستحضر هستید، خشونت علیه



فریده غیرت حقوق‌دان

سلام به فردا

خشونت علیه زن را از صفحه زندگی محو کنیم

خودبه‌خود در نهایت ایجاد خشونت می‌کند. تبعیض‌هایی که در شغل وجود دارد، ایجاد خشونت می‌کند. تبعیض‌هایی در درجه اول در محیط خانواده وجود دارد که به‌هرحال قوانین باید دستخوش تغییراتی شوند تا این خشونت‌ها محو شوند. ما اعتقاد داریم که زن و مرد مساوی هستند و این اعتقاد دینی و مذهبی و قانونی ما است. در قانون اساسی نیز این را ادعا می‌کنیم که زن و مرد یکی هستند و حقوق مساوی دارند. وقتی این تبعیض‌ها از بین برود، به تبع آن خشونت‌ها نیز تقلیل پیدا می‌کند و از بین می‌رود؛ چون وقتی زن‌ها به حقوق مساوی و شرایطی مساوی برای انسان، چه زن و چه مرد، دست پیدا کنند، طبیعی است که خشونت‌ها مقداری تقلیل پیدا می‌کنند و زن‌ها ان‌شاءالله به آن نقطه‌ای می‌رسند که در نظر دارند. به‌هرحال یک روز را به‌عنوان نمودی برای مقابله با خشونت داریم که ارج و ارزش برای آن قائلم و امیدواریم که همه روز‌ها همین‌طور باشد.

مغز اجتماعی-۴۴

قبض و بسط زمان

بستن طناب دور گردنش روبه‌رو هستیم. از ابتدا تا انتها، یکی از قاتلان مردد و مضطرب و دیگری مسلط و مطمئن در عمل وجدان‌پیشانه خود به نظر می‌رسند. این دو برادر، پس از ارتکاب جنایت، دسته‌ها را در صندوقچه‌ای پنهان می‌کنند و به عمد از صندوقچه اتاق نشیمن به‌عنوان میز شام میهمانی‌ای برای همان شب استفاده می‌کنند که در آن قرار است اقوام نزدیک، رفقا و یک اسد مقتول نیز شرکت داشته باشند. علت اینکه ماجرای بعد از قتل به‌ویژه در بعضی از بخش‌ها طولانی‌تر به نظر می‌رسد، بستگی به موقعیت متفاوت ما به‌عنوان مخاطب دارد که شاهد عمل قتل بوده‌ایم؛ ولی میهمانان چیزی از آن نمی‌دانند. ما به‌عنوان مخاطب فیلم از ماجرای قتل خبر داریم؛ ولی میهمانان دیگر که روی صندوقچه حاوی جثزه مقتول شام می‌خورند، اطلاعی از آن ندارند؛ درعین‌حال که ماجرا هر لحظه می‌تواند با رفتار دستپاچه و مضطرب و مردد یکی از دو برادر یکی قاتل، لو برود. این شرایط باعث حالات تعلیقی هیجانی-عاطفی در مغز مخاطب می‌شود که زمان فیلم و اتفاقات درون آن را طولانی‌تر از نظر زمانی نشان می‌دهد. در این لحظات مخاطب هر حرکت و هر اقدام که از هرکدام از بازیگران صحنه در دو جبهه آگاه و ناآگاه از ماجرای قتل را بااهمیت تلقی می‌کند و جلب توجه به جزئیات، طول زمان وقایع را در مغز ما کش می‌دهد. از طرف دیگر هیچکاک برای اینکه گذر زمان ۸۰دقیقه‌ای خود را به ۱۰۵ دقیقه وقوع ماجرا نزدیک کند، از تغییر نور تدریجی صحنه از بعدازظهر تا شب، استفاده از نور مصنوعی چنان ماهرانه استفاده می‌کند که تماشاگر فیلم متوجه کوتاه‌ترشدن زمان ماجرای فیلم در مقایسه با طول واقعی زمان ماجرا نمی‌شود.

فیلم طناب هیچکاک فقط یک مثال است که به ما نشان می‌دهد چگونه در هنر سینما نیز مانند دیگر هنرها، مغز انسان می‌تواند توانایی خود را در قبض و بسط زمان به تجربه دریاورد و آن را با دیگران شریک شود. به عبارتی از ابتدای تاریخ، قبل از مغزی‌زویی امروز، این هنر اصیل است که ما انسان‌ها را درباره این توانایی آگاه و متعهد می‌کند. از طرف دیگر، هنر از طریق این آگاهی بخشی به درجه مقاومت و تسلیم‌ناپذیری ما در مقابل سوءاستفاده قدرت‌های تمامیت‌خواه اجتماعی از انعطاف‌پذیری زمانی مغز ما، می‌افزاید و از آسیب‌پذیری آن می‌کاهد.

احساس همدلی تولیدشده در دستگاه هیجانی

عاطفی خود با دیگری شریک می‌شود و آن را تعدیل یا تنظیم و هارمونیک می‌کند. به‌این‌ترتیب مغز ما برای قامت اجتماعی خود نظم زمانی مناسب را بسته به اهمیت رخدادها در طول تجربیات زندگی با کمک مغزهای دیگر در طول ارتباطات اجتماعی مهیا می‌کند. این مبادله و مشارکت در هماهنگی در قبض و بسط زمانی رخدادهای اجتماعی از طریق تن‌مندشدن نشانه‌های کنشی عاطفی دیگران در مغزمان به دست می‌آید؛ همان‌گونه که رفتار عاطفی کنشی برخاسته از مغز خودمان نیز در مغز دیگران تن‌مند و دارای ریتم زمانی مناسب می‌شود. بروز هنر و دوام و گسترش آن در جوامع انسانی خود نشانه قبض و بسط‌پذیری احساس زمان، در ذهن تولیدشده مغز ماست که به نظر می‌رسد در پیوند اجتماعی و فهم مشترک احساسات انسانی‌ا نقش مهمی بازی کرده است. در طول زمان اجرای موسیقی، تانرا، سینما یا بازدید از نمایشگاه هنرهای تجسمی است که به تأثیر قبض و بسط زمان و امکان اشتراک آن در ذهن تولیدشده در مغز اجتماعی خود بیشتر از هر زمان دیگری آگاه می‌شویم.

اگر بخواهیم برای روشن شدن موضوع یک مثال از سینما بیاوریم، فیلم «هیچکاک نمونه خوبی است که در سال ۱۹۴۸ ساخته شد. کل این فیلم اتفاقی است که در یک آپارتمان مشرف به شهر نیویورک به مدت ۱۰۵ دقیقه از ساعت ۷:۳۰ تا ۹:۱۵ شب رخ می‌دهد. هیچکاک این فیلم را در شرایطی ساخت که بایست هر ۱۰ دقیقه حلقه فیلم دوربین را عوض کند و طوری وانمود کند که مخاطب متوجه قطع و وصل فیلم نشود. برای این فیلم هیچکاک از هشت حلقه فیلم ۱۰دقیقه‌ای استفاده می‌کند که مجموعاً طول فیلم ۸۰ دقیقه می‌شود. جالب اینکه تماشاگر فیلم نه‌تنها احساس نمی‌کند که فیلم کوتاه‌تر از اتفاق واقعی (۱۰۵ دقیقه)، باشد، حتی فیلم از نظر زمان ذهنی طولانی‌تر هم به نظر می‌رسد. تماشاگر می‌تواند از خود بپرسد که این ۲۵ دقیقه غیرمحسوس از زمان فیلم، کجا رفته است؟ چرا تماشاگر نمی‌تواند حذف آن را ادراک کند، چرا فیلم در بعضی از قسمت‌ها حتی طولانی‌تر از زمان واقع نیز احساس می‌شود؟ همه این سؤالات به محتوای هیجانی شناختی فیلم مربوط می‌شود. در ۱۰ دقیقه ابتدای فیلم ما در این آپارتمان، با ماجرای خفه‌کردن مرد جوانی از سوی دو برادر رفیق هم‌دانشگاهی، با



عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

به نظر می‌رسد گذر زمان برای انسان نیز چون چرخه‌ای تشکیل‌یافته از واحدهای کوچک و بزرگ، تابع گردش ایام در طبیعت و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. شواهد دال بر وجود ساعات درونی بیولوژیک در درون تن ما است که به طور نسبی با ساعت بیرونی انطباق پیدا می‌کنند. دستگاهی تنظیم‌کننده در بخش زیرین مغز ما وجود دارد که ساعات درونی کارکردهای مختلف بدن را با گردش روزگار، شب و روز، تاریکی و روشنایی تنظیم می‌کند. نیمودن عرض جغرافیایی طولانی با سرعت در هواپیما می‌تواند به طور موقت در کار این ساعات درونی بیولوژیک اختلال ایجاد کند؛ اما علاوه بر این ساعات درونی اولیه، نوعی زمان در مغز ما تولید می‌شود که انتونیو داماسیو به آن «زمان ذهن» می‌گوید. دلایل محکم علمی نشان می‌دهد که این زمان ذهنی در مغز ما تولید می‌شود. در آسیب‌های مغزی ما شاهد هستیم که هرچه بیشتر بافت مغزی را در مدارهای تشکیل حافظه زمانی از دست بدهیم، فراموشی از اکنون به بعد و سپس فراموشی از قبل تاکنون پیش می‌آید و به عبارتی رد پای زمان از تاریخچه ذهن انسان اجتماعی پاک می‌شود و با گسترش آسیب به بخش‌های عمیق‌تر، توالی اتفاقات برای تعریف روایات از دست می‌رود و در انتها چنین شخصی که بخش عظیم قوای حافظه زمانی را به علت تخریب مغزی از دست می‌دهد، فقط از طریق نوری که از پنجره می‌تابد، می‌تواند گذر زمان را تشخیص بدهد. نکته جالب اینکه دستگاه هیجانی عاطفی مغز انسان‌ها قادر است بسته به اهمیت رخدادها در شرایط زمینه‌ای، درک زمان را کوتاه یا بلند کند. این توانایی در قبض و بسط زمان درجه تطبیق‌پذیری و خوگیری انسان و وابستگی آن به شرایط زمینه‌ای عاطفی-اجتماعی را نشان می‌دهد. سخت نیست که در تجربیات روزانه شاهد احساس کندی زمان در هنگام یورش هیجان‌های منفی و تسدی آن در هنگام هیجان‌های مثبت باشیم. برای انسان‌های در فشار و تنش عاطفی، زمان کندتر پیش می‌رود و در هنگام آرامش زمان سریع‌تر حرکت می‌کند. مغز اجتماعی ما دائماً این توانایی تغییر آهنگ در ادراک زمان را از طریق

دور دنیا

گرمایش زمین مهم‌تر است یا مدل کفش؟

در نیویورک انتخاب شده، کفش‌هایی است که او در طول مبارزات انتخاباتی‌اش به‌پا کرده بود و در نمایشگاه دانشگاه کرنل به نام «زنان توانمند: مدهایی از خط مقدم» به نمایش گذاشته شده است. در گزارش موردنظر پیش‌بینی شده است که ایالات متحده تا سال ۲۱۰۰ حداقل سه درجه گرم خواهد شد و این امر بالقوه موجب مرگ ده‌ها هزار نفر در سال می‌شود. بسیاری به دولت ترامپ انتقاد کرده‌اند که انتشار گزارش را به روز بعد از جشن شکرگزاری در آمریکا موکول کرده‌اند تا اهمیت آن از چشم مردم پنهان بماند. استلتر گفت: «به نظر می‌رسد این کار نمونه‌ای از تخریب اخبار در روزهای تعطیلی است، یعنی ارسال گزارش در یک بعدازظهر جمعه، زمانی که مردم مشغول خرید و صرف وقت با خانواده هستند. اگر چه این گزارش قرار بود در ماه دسامبر منتشر شود، به آخر هفته شکرگزاری منتقل شد. به نظر می‌رسد این سخره‌بازی‌ها ادامه دارد».



جدال سیاسی رسانه‌های جناح راست و چپ در آمریکا بر سر اقدامات دونالد ترامپ، بعد از انتشار گزارش اخیر چند نهاد آمریکایی درباره زیان‌های بلندمدت و سنگین گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی برای اقتصاد آمریکا بعد تازه‌ای یافته است. تازه‌ترین موردحمله شبکه خبری سی‌ان‌ان از مخالفان سرسخت ترامپ به فاکس‌نیوز از همراهان همیشگی رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه آمریکا بود که در رسانه‌های دیگر نیز بازتاب داشت. به گزارش هافینگتن‌پست، برایان استلتر، مجری سی‌ان‌ان به‌شدت به فاکس‌نیوز حمله کرد که بعد از روز جمعه و انتشار گزارش مربوط به تغییرات اقلیمی به‌جای پوشش خبری این مسئله مهم به مسائل پیش‌پاافتاده پرداخته است.

استلتر در برنامه‌اش با عنوان «منبع موثق» گفت: «بزرگ‌ترین گزارش آخر هفته – راستش را بخواهید همه‌جا به‌جز رسانه‌های طرفدار ترامپ– این است که در روز جمعه گزارش مهم

هزاربانه

آثار خط‌نقاشی ایمان مولا جعفری

گشایش جمعه ۲۹ آذر ۱۳۹۷ / ۱۱ آذر ۱۴۰۱ / ساعت ۱۵:۱۵ آریانا گالری
شنبه‌ها تعطیل میباشد. نشانی: تهران، الهیه، خیابان فیاضی (فرشته)، پلاک ۹، آریانا
OPENING: FRIDAY / NOVEMBER 30TH 2018 / 16:00-21:00 / NOVEMBER 30TH TO DECEMBER 10TH 2018 / VISITING HOURS: 16:00-20:00 / GALLERY IS CLOSED ON SATURDAYS. / ARIANA ART GALLERY, NO. 9 FAZAZIST, FERESHTEH, TEHRAN, IRAN

IMAN MOLLAJAFARI